

” درباره زندگی و آثار محمد تقی ملك الشعرا بهار ۱۸۸۶-۱۹۵۱ ”

خلاصه‌ای از پایان نامه دوره دکترا در رشته ادبیات که در حدود دویست صفحه به زبان روسی سال ۱۹۶۰ در دانشگاه دولتی مسکوبه نام لا ما نوسف پذیرفته شده است .  
( از ژاله )

محمد تقی ملك الشعرا بهار - شاعر و ادیب برجسته ، محقق و مورخ دانشمند ، روزنامه نگار مترقی ، مبارز راه صلح و آزادی ، سیاست مدار میهن پرست و از افتخارات شعر و ادب روزگار ماست . آثار ملك الشعرا بهار آینه درخشان و با زتاب راستین زندگی مردم ایران است که روی دادهای سیاسی و دگرگونی های اجتماعی نیمه اول قرن بیستم را در بر می گیرد . بهار مانند يك شاعر مشروطه خواه هوادار سلطنت به اصول قانون اساسی موجود احترام می گذارد اما همچون يك هنرمند حقیقی نمی تواند در برابر بیدادگری شاهان و فساد درباریان و طبقه حاکم بر کشورش خاموش بنشیند و دردها ورنج های ریشه دار جامعه ایرانی را نبیند و در شعرش تصویر نکند . بنا براین در آثار ملك الشعرا دو جنبه متضاد به چشم می خورد - ناخرسندی کامل از وضع درد آور و نا بسامان زندگی اجتماعی موجود در ایران و در عین حال احترام به رژیم سلطنت و حاکمیت سر مایه که مسبب همان دردها ست . عدم توجه به تضادی که بین طبقات استثمارگر و استثمار شونده که اولی دست نشانده استعمار و دومی پامال هر دو ی آنهاست ، سرچشمه اساسی دوگانگی نظرات سیاسی - اجتماعی بهار ، بشمار می رود .

ملك الشعرا از محیط تاریک و غارت زده خود نا راضی است اما برای تخییر آن ، کمتر قدم قطعی بر می دارد .  
شعرا و ویرانگر دیوارهای کهنهای است که زندگی مردم میهنش را از ملل آزاد و پیشرفته جهان جدا کرده است . و نقش مترقی هنر ارزنده او نیز در همین است .

استعداد بزرگ بهار و مبارزات اجتماعی - سیاسی او از آغاز دوران جوانی وی نظر خاور شناسان خارجی و ادیبان ایران را به خود جلب کرده است . نام او در صف اول شاعران و نویسندگان دوران مشروطه و پس از آن همواره جای داشته و دارد . ادیبان و تذکره نویسان مشهور مانند رشید یاسمی ، محمد ضیا و هشتروندی ، عبد الحمید خلیلی ، یرقعی و دیگران ضمن شرح احوال و نمونه اشعار بهار همیشه با احترام فوق العاده از این شاعر مبارز یاد کرده اند .

پس از درگذشت ملك الشعرا ، شاعران ، نویسندگان و روزنامه نگاران در بزرگداشت شاعر آثار فراوانی به چاپ رسانده اند .

دو بیوگرافی نسبتاً مفصل و جدی اگانه ای که تا کنون درباره نامبرد ه نگاشته شده ، یکی ” زندگانی و آثار بهار ” در دو جلد است به تألیف نیکو همت که سال ۱۹۵۵ در کرمان انتشار یافته است . این کتاب بدون آنکه جنبه تحقیقی داشته باشد ، به یاد داشت های پراکنده ای میماند که مؤلف گاهی هم خدمات بهار را جزو اشتباهات و بی شمار می آورد مثلاً شرکت او را در هواداری از صلح . کتاب دیگر ” شرح احوال و آثار ملك الشعرا محمد تقی بهار ” است به قلم عبد الحمید عرفانی که در تهران سال ۱۹۵۶ منتشر شده است . در این کتاب شرح زندگی بهار ، نسبتاً دقیق و مفصل داده شده اما عرفانی هم مانند نیکو همت ، شعر بهار را بدون هیچگونه بررسی و ارزیابی عیناً نقل کرده است که کتاب فاقد نقد ادبی و جنبه های تحقیقاتی است .

شایسته ترین ارزیابی نقشی که ملك الشعرا در شعر و ادب فاسی دارد ، توسط علامه علی اکبر دهخدا ست که می گوید : ” بهار بزرگ ترین شاعر معاصر سیک خراسانی است و می توان گفت که در طول چهار - پنج قرن اخیر ، شاعری به این قریحه و ذوق در سیک نبوده است ” ( ۱ )

خاور شنا سرانگلیسی پروفیسور ادوارد براون در کتاب

*THE PRESS AND POETRY OF MODERN PERSIA. CAMBRIDGE 1914*

شیزده قطعہ شعر ملك الشعرا بہار را بدون بررسی و تحقیق ہمراہ بیوگرافی مختصر شاعر نقل کردہ می نویسد " ملك الشعرا در طرز قصیدہ و تتبعات تاریخی و ادبی استاد است " . محمد اسحق در جلد دوم کتاب " سخنوران ایران در عصر حاضر " (سال ۱۳۵۱ قمری در دہلی) بہار را استاد و نمونہ کامل گروہ شاعرانی دانست کہ مضمون های تازه را بہ سبک استادان قدیم بہ کار می برند .

خاور شٹلہ سان شوروی نیز ضمن بررسی ادبیات معاصر ایران ، در بارہ ملك الشعرا بہار نظرات خود را بیان کردہ اند .  
*КРАТКИЙ ОЧЕРК НОВЕЙШЕЙ ПЕРСИДСКОЙ ЛИТЕРАТУРЫ. ЧАЙКИН. МОСКВА 1922* چا یکین در کتاب

می نویسد " ملك الشعرا بہار بدون تردید ، یکی از بزرگ ترین شاعران معاصر ایران بہ پیشا ر می رود "

ی ۱ . برتلس

پروفیسور ی ۱۰ برتلس در کتاب تاریخ مختصر ادبیات فارسی ( ۱۹۲۸ لنین گراد )

*Е.Э. БЕРТЕЛЬС "ОЧЕРК ИСТОРИИ ПЕРСИДСКОЙ ЛИТЕРАТУРЫ ЛЕНИНГРАД 1928.*

از موفقیت های بہار در فرم شعر فارسی و بویژہ از دویستی های بی ہم ( کہ بہ نظر او شکل شعر اروپائی است ) تعریف می کند . برتلس بہار را شاعر بدبین ( پسی میست ) مینامد کہ بہ نظر ما در ست نمی آید . آکادمیسین مار کہ با بہار و اشعار او در تہران آشنا شدہ است ، معتقد است کہ ملك الشعرا یکی از بزرگ ترین شاعران ایران معاصر میا شد .

ملك الشعرا بہار شرح احوالی خود را بہ شکل پراکندای در اشعار و آثار نثری خویش می نویسد کہ نوشتہ او در دیباچہ " تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران " و همچنین زیست نامہ وی در دو جلد دیوان وی کہ سال های ۱۹۵۷-۱۹۵۶ توسط خانوادہ بہار در تہران انتشار یافته ، منبع اساسی تحقیقات ما را در این رسالہ تشکیل می دہد . بہار در طول نیم قرن زندگانی ادبی و سیاسی اش دارای طرفداران دو آتشہ و مخالفان سر سخت بودہ است کہ ہر دو گروہ گہگاہ در ارزیابی فعالیت ہنری و اجتماعی شاعر غالباً توازن را از دست دادہ و دچار افراط و تفریط شدہ اند .

ہد فاساسی این اثر بررسی نقش بزرگی است کہ ملك الشعرا بہار در دورہ های مختلف کار دگرگونی زندگی ادبی و اجتماعی میہن خود بدہ عہدہ داشته است و تا چہ توانستہ است بہ پیشرفت اندیشہ های مترقی دوران خود در ایران خدمت کند .

اثر حاضر دارای چہار فصل می باشد . فصل یکم دارای ۲ بخش است

بخش یکم شامل نخستین دورہ فعالیت ادبی ملك الشعرا بہار در خراسان است از سال ۱۸۸۶ تا ۱۹۱۴ .

محمد تقی بہار در یازدہم دسامبر ۱۸۸۶ در مشهد متولد شد . پدر او محمد کاظم ملك الشعرا متخلص بہ صبور ی شاعر آستان قدس بود کہ با شاعر - صبا ی کاشانی خویشاوندی داشت . ما در بہار از یک خانوادہ گرجستانی است کہ جد او در جنگ های روس و ایران بہ اسارت بہ ایران بردہ شدہ بود . محمد تقی از سن چہار سالگی بہ مکتب رفت و در سن ہفت سالگی شاہنامہ فردوسی را بخوبی می خواند و از ہمان زمان بہ شعر گفتہ پیر داختم . بہار ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر خود و نیز شاعر ادیب نیشابوری فرا گرفت و بہ زودی بیست ہزار بیت اشعار شاعران متقدم را از بر کردہ ایران . محمد تقی زمانی فعالیت ادبی خویش را آغاز کرد ، کہ سخنوران دورہ موسوم بہ بازگشت ادبی را بہ وجود آوردہ بودند یعنی بہ سبک شاعران کلاسیک قرن های دہویازدہ - بہ سبک خراسانی شعر می گفتند و محمد تقی جوان در چنین دوری و مکتبی پرورش یافت . بہار از آغاز جوانی چنان استعدادی از خود نشان داد کہ اکثر خوانندگان شعر شہ باور نداشتند کہ اشعار از شخص اوست و لذا گاہ گاہ وی را بہ مسابقہ های دشوار ادبی دعوت می کردند تا او را بیازمایند و بہار ہمیشہ پیروز می شد .

صبوری نمی خواست پسرش شغل خود او - شاعری را پیشه کند بلکه می کوشید محمد تقی جوان به تجارت بپردازد . اما مخالفت های پدر به هیچوجه نتوانست عشق به هنر را در دل بهار جوان خاموش کند . صبوری سال ۱۹۰۴ در اثر بیماری و سا درگذشت و ملاخرخ و شاعر ۱۸ ساله برای سرپرستی خانوار پنج نفری خود دچار دشواری های فراوان شد .

بهار سال ۱۹۰۴ قصیده ای در مدح مظفرالدین شاه گفت و از او فرمان ملك الشعرائی را دریافت کرد . اشعار ملك الشعرا بهار پیش از دوران مشروطیت ، فاقد مضامین اجتماعی و نوآوری هنری است و می توان گفت تقلید از شاعران کلاسیک است .

بحش دوم - ملك الشعرا در دوران انقلاب مشروطه ۱۹۰۵-۱۹۱۱

نهضت مشروطیت اگر چه نتوانست سستم حاکمیت قاجاریه را در ایران از بین ببرد ، اما به هر حال دگرگونی های بزرگی در جامعه ایران پدید آورد . بر اساس همان دگرگونی ها بود که ادبیات فارسی نیز به مرحله نوینی گام نهاد . ده ها تن شاعر - نویسند ه و روزنامه نگار مترقی مانند علی اکبر دهخدا ، ابوالقاسم لاهوتی ، سعید اشرف گیلائی ، عارف قزوینی ، فرخی یزدی ، وحید دستگردی ، ادیب الممالک فراهانی ، صور اسرافیل ، ملك الشعرا بهار و دیگران با اشعار و آثار انقلابی خود علیه ارتجاع ، استبداد و خلی و استعمار رگران خارجی به مبارزه برخاستند . انقلاب مشروطه طبعاً سیمای ادبی بهار جوان را تغییر داد . او دیگر نمی توانست به ملك الشعرا عبی آستان قدس و مدیحه سرایی دربار اکتفا کند و خرسند باشد . از این زمان شاعر در راه آزادی و استقلال میهن خود سر سختانه مبارزه می کند . مسائل سیاسی - اجتماعی کشورش ، موضوع شعر او قرار می گیرد . در قصیده " به شکرانه توشیح قانون اساسی ( ۱۹۰۶ ) " بهار به پیشتازان انقلاب و پیروزی آزادی خواهان درود می فرستد و به ارتجاع و استبداد بی رحمانه می تازد و می گوید ، عدالت و آزادی تنها سرچشمه خوشبختی مردم می باشد .

قصیده مشهور " کار ایران با خداست " ( با شاه ایران ز آزادی سخن گفته خطاست ) که سال ۱۹۰۹ در روزنامه " خراسان " انتشار یافت ، ملك الشعرا را در محافل ادبی و سیاسی آن روز مشهور ساخت .

بهار با اشغالگران مداخله جوی خارجی - تزارسم و امپریالیسم انگلیس نیز به شدت مبارزه میکرد . او در چکامه " پیام به وزیر خارجه انگلیس " علیه قرارداد ۱۹۰۷ مراتب اعتراض و نارضایتی خود را بیان کرد .

ملك الشعرا سال ۱۹۰۸ عضو انجمن مخفی " سعادت " شد که با آزادی خواهان قفقاز در ارتباط بود و سال ۱۹۱۰ که شعبه حزب دمکرات ایران بر هبری حیدر عمواوغلی در مشهد دایر شد ، ملك الشعرا به عضویت کمیته ایالتی آن حزب برگزیده شد و در همان سال روزنامه " نوبهار " را به عنوان ارگان حزب دمکرات ایران انتشار داد . روزنامه با ارتجاع و استعمار مبارزه می کرد .

ملك الشعرا تاریخ و فولکلور ایران را بخوبی می دانست و در دوران مشروطه ، برای پیشبرد افزایشه های انقلابی خود از آن استفاده می کرد . از آثار مهم او در این زمینه منظومه " آینه عبرت " یا تاریخ منظوم ایران است که در چهار هزار مصرع است و به شرح تاریخ ایران از زمان کیومرث ( شاه افسانه ای ) تا زمان محمد علی شاه پرداخته شده است . بهار می کوشد تا نشان دهد که بیدادگر همیشه محکوم شکست و نابودی است و مغفور مردم .

ملك الشعرا از طنز اجتماعی و تصنیف های انقلابی که از نوآوری های ادبی عهد مشروطیت است بخوبی استفاده کرده است . زبان شعر او در این گونه آثار ، بسیار روشن و ساده و زیباست .

سال ۱۹۱۱ که ارتجاع ایران ، اولتیماتوم اسارت بار روسیه تزاری را پذیرفت و مجلس دوم را منحل ساخت ، ملك الشعرا به سبب اعتراض شدیدی که کرد ، همراه گروهی دیگر از دمکرات ها از مشهد به تهران تبعید شد و روزنامه " تازه بهار " به مدیریت وی نیز توقیف گردید . بهار بعد ها نوشت " مشروطه دوم این جا تمام می شود که هر چه بافته بودیم پنبه شد . "

فعالیت ادبی بهار در سال های ۱۹۱۱ - ۱۹۱۴ شور و حرارت پیشین را از دست می دهد ، اما انتقاد اجتماعی باز هم جنبه اساسی شعرش را تشکیل می دهد . ملك الشعرا در روزنامه " نوبهار " اشعار و مقالات فراوانی انتشار می دهد که همگی آنها دارای روح مبارزه جویی علیه جهل و فقر و فساد تیزم حاکم بر جامعه است . آزادی زن نیز یکی دیگر از مسائل مورد توجه شاعر است .

شعرهای " جهنم " ، " هرج و مرج " ، و مستزاد های مشهور او " داد از دست عوام " و " داد از دست خواص " دارای این گونه مضامین است که مورد تکفیر روحانیون قرار می گیرد و در نتیجه

روزنامه اش توقیف می شود . ملك الشعرا با یاری هواداران فراوانی که داشت سال ۱۹۱۴ به وکالت دوره سوم مجلس شورای ملی انتخاب شد و به تهران منتقل گردید .  
 خدمات ادبی و اجتماعی ملك الشعرا بهار در دوران مشروطیت از ارزش ویژه ای برخوردار است و می توان و باید گفت که بهار با اشعار آزادی خواهانه و با مبارزات ضد ارتجاع و امپریالیسم که هدف خود قرار داده بود ، به پیشبرد جنبش‌ها ئی بخش مردم ایران و به شکست شگفتگی ادبیات نوین فارسی بسیار خدمت کرد .

فصل دوم - ملك اشعرا بهار در سال های ۱۹۱۴ - ۱۹۲۱

از سال ۱۹۱۴ فعالیت پارلمانی بهار در تهران آغاز می شود . فضا روز افزون استعمارگران و مداخله جویان خارجی ، ضعف دستگاه حاکم و خرابی وضع داخلی کشور و بویژه محدودیت جهان بینی شخص بهار ، او را در این دوره غالباً دچار تزلزل و احياناً اشتباه می کند . اما به محض این که شاعر متوجه می شود که راهش درست نیست به اصلاح خویش می پردازد و راهی را در پیش می گیرد که بنظر وی به سوی آزادی است .

سال ۱۹۱۵ که ارتش تزاری از شمال و نیروی انگلیس از جنوب ایران را مورد حمله قرار دادند و قصد شان تسخیر تهران بود ، هیئت دولت ، وکیلان مجلس و اعضاء حزب دمکرات رهسپار قسـم شدند و در آن شهر کمیته دفاع ملی و حکومت موقت را تشکیل دادند ، ملك الشعرا که جزو آنها بود در يك مأموریت دفاعی دستش شکست و به تهران بازگشت و از آنجا به بجنورد تبعید شد . ملیون و آزادیخواهان ایران نیز در قسم شکست خوردند و پراکنده شدند .

سال ۱۹۱۵ روسیه تزاری و استعمارگران انگلیس که به موجب <sup>ایران</sup> ~~بیان~~ <sup>سیاه</sup> خود ، امور مالی <sup>ایران</sup> ~~را~~ در دست گرفتند ، بهار قصیده ای با عنوان " خیانت " گفت و در آن اعلام کرد که هر کس که بخواهد ایران را به يك کشور مستعمره مبدل کند ، خائن است و باید به کیفر خود برسد .

ناگفته نماند که شکست آزادیخواهان ، ملك الشعرا را از مبارزه دل سرد ساخت و کاراکتر انقلابی وی را منقضی کرد بطوری که رفته رفته به سرا شیب لغزش‌ها ئی دچار شد . مثلاً در این دوره بهار با وثوق الدوله که مردی شاعر و ایب اما بیگانه پرست و آتشه بود ، نزدیک شد ، گاه اید ه های زبان آوری را تبلیغ می کرد . قصیده " فتح ورشو " هواداری آشکاری است از آلمان متجاوز و در بعض آثار دیگر نشانه های از طرفداری از سیاست استعمارگرانه انگلیس مشاهده می شود . ~~بهار~~ <sup>بهار</sup> در این دوره <sup>سفانه</sup> از مسائلی اساسی حیاتی برای مینشردور می شود ، و به جای <sup>ایران</sup> ~~رو~~ حیه ویرانگر و سازنده اشعارش در زمان مشروطیت ، موضوع های درجه دوم را در نظر می گیرد ~~مثلاً~~ . مثلاً شکایت از گل خیابان ها ، واگن های شکسته ، کثافت آب حمام ها و غیره .

بطور کلی در سال های جنگ اول جهانی ، ادبیات فارسی نسبت به زمان مشروطه سیر قهقرائی را طی می کند . مسابقه های تفنی ادبی ، غزلسرائی های تکراری و تقلیدی که هم گویند ه و هم خواننده را از مبارزه اصولی اجتماعی دور می کند ، جای اشعار انقلابی و بسیج کنند ه دوره مشروطه را می گیرد و بطوری که گفته شد ، ملك الشعرا هم از این سراشیب در امان نمی ماند .

انقلاب کبیرا کتر در جنبش های رهائی بخش بسیاری از خلق های گرفتار استثمار و امپریالیسم تأثیر فراوان داشت و از آن جمله در مین ما ایران . نهضت های آزادی خواهانه در سال های بین ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۲ ( قیام شیخ محمد خیابانی ، نهضت میرزا کوچک خان ، قیام کلنل محمد تقی خان - قیام ابوالقاسم لاهوتی ) نشان گرتا <sup>ایستادگی</sup> ~~شیر~~ <sup>انقلاب</sup> ~~اکثر~~ در ایران داشت . سرنگونی دستگاه تزاریسم و پیروزی انقلاب ستمکشان در کشور همسایه در ادبیات فارسی نیز نفوذ کرد . ملك الشعرا در قصیده ه مرگ تزار او را ماری می نامد که با یستی نا بود می شد و با ستایش از لنین می گوید " مردی که ریسمان گوی ما را رها کرد - لنین است . . . " ( ۱ ) شاعر مشهور - عارف قزوینی نیز می گوید " ای لنین ، ای فرشته رحمت . . . " ( ۲ )

ملك الشعرا در سال های ۱۹۱۸-۱۹۱۹ با انتشار مجله دانشکده خدمت بزرگی به پیشرفت ادبیات فارسی کرد . مقالات متعدد او درباره ادبیات بطور کلی و پیوستگی آن با اجتماع ، در پیرامون رویدادها و نوآوری های ادبی در اروپا ، در ارتباط با تاریخ ادبیات فرانسه و بویژه نظرات بهار در مورد دگرگونی و نوآوری اساسی در شعر و نثر فارسی که برای نخستین بار در مجله دانشکده به چاپ رسید در محافل ادبی آن زمان تأثیر چشم گیری داشت . این آثار و جنبه های مترقی که در نظرات بهار و در صفحات دانشکده تجلی کرد - ملك الشعرا از انحطاطی که در سال های ۱۹۱۱ - تا ۱۹۱۷ گریبان گیرش شده بود ، نجات داد .

فصل سوم - ملك اشعرا بهار در دوره بیست ساله دیکتاتوری رضا شاه ( ۱۹۲۱ - ۱۹۴۱ )

کودتای ۱۹۲۱ سید ضیا و سردار سپه و قرارداد ۱۹۲۱ بین دولت های ایران و اتحاد شوروی دو حادثه مهمی است که دگرگونی های فراوانی در تاریخ معاصر ایران پدید آورد . امپریالیسم امپریالیسم انگلیس به منظور جلوگیری از نفوذ معنوی دولت شوروی در ایران و برای احیای قرارداد ۱۹۱۹ ، سروصدای جمهوری را در این کشور برآورد . روشنفکران ایران که از ضعف سلسله قاجار به تنگ آمده بودند ، از جمهوری پشتیبانی کردند . شاه ایران مشوری چون بهار و عشقی ، عارف و دیگران ابتدا از برقراری جمهوری هواداری کردند ، اما پس از زود به ماهیت ساختگی و دروغین آن پی بردند و علیه آن به مبارزه برخاستند . عشقی در این راه کشته شد و بهار مرثیه بسیار جالبی برای وی گفت که شعر " مرگ شاعر " لرمانتوف را به یاد میاورد که برای شهادت پوشگین سرود .

ملك الشعرا به سال ۱۹۲۲ مجله هفتگی " نو بهار " را انتشار داد و همان سال به نمایندگی مجلس چهارم برگزیده شد . بهار در مجلس پنجم نیز نماینده بود و سلطنت رضا شاه مخالفت می کرد در باره تصدیکستن شاعر برآمد ، اما به جای بهار ، شاه انقلابی دیگری یعنی واعظ قزوینی به قتل رسید ( گفته می شود که نقشه شخص واعظ قزوینی هم کشیده شد ) .

ملك الشعرا پس از پایان مجلس پنجم زندانی شد . در دوره ششم نیز از طرف مردم تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد و از آن پس ، تا پایان دوره دیکتاتوری از کار سیاسی برکنار ماند .

ملك الشعرا در آغاز سلطنت رضا شاه با یک سلسله اشعار انتقادی و اجتماعی مانند " سکوت شب " و " دماوندیه " و غیره با دیکتاتوری مبارزه کرد اما سال ۱۹۲۷ در منظومه " چهار خطابه " شاه را مورد ستایش قرار داد و وی را به دادن اصلاحاتی که موجب آسایش و آرامش مردم ایران باشد دعوت کرد . با وجود این بهار همیشه مورد سوطن دولت و شخص رضا شاه بود و سرانجام سال ۱۹۳۲ که خواست دیوان اشعارش را انتشار دهد کتاب در چا پخانه توقیف شد و بهار زندانی شد و پس از چندی به اصفهان تبعید شد . ملك الشعرا در زمان تبعید در اصفهان ۱۲ هزار مصراع شعر گفت که " کارنامه زندان " از آن جمله است . این مثنوی مفصل شامل حکایات گوناگونی است که رویهم رفته به پای آثار دیگر بهار نمی رسد . قطعه " مرغ شبها هنگ " یکی از بهترین آثار بهار به شمار می رود . شاه در این اثر تنها به تصویر زندگی مشقت بار خود اکتفا نکرد بلکه از فجایع حکومت دیکتاتوری و از ظلم و فساد هیات حاکم و بویژه از تعقیب و ترور رایج در کشور شیبی رحمانه انتقاد می کند و یک <sup>تول</sup> ~~مصراع~~ انتقادی اجتماعی را آرزو می کند . بهار موازی با سرودن اشعار عالی مانند مرغ شبها هنگ و دماوندیه ، به نوشتن قصیده " دیروز و امروز " در مدح رضا شاه نیز می پردازد که نشانگر روحیه لیبرالی اوست .

ملك الشعرا در زمان دیکتاتوری رضا شاه که شعر گفتن همیشه با خطر همراه بود ، به تتبعات تاریخی و تحقیقات ادبی پرداخت . علاوه بر مقالات فراوان و رساله های متعدد ادبی و تحقیقی که او باقی است ، کتاب های " مجمل التواریخ والقصص " ، تاریخ سیستان ، جوامع الحکایات ولوامع الروایات عوفی ، رسالته النفس ارسطو و تاریخ بلعمی را تصحیح و منتشر کرد . رمان " نیرنگ سیاه یا کنیزان سفید " از آثار نثری این دوره بهار است .

خدمت برجسته بهار به ادبیات فارسی تا لایف ۳ جلد کتاب " سبک شناسی " است در جلد اول اطلاعات محققانه ای در پیرامون زبان شناسی و باستان شناسی داده می شود . جلد های دوم و سوم بیا نگر تحولاتی است که در نثر فارسی از قرن دهم تا اواخر زمان شاه رخ داده است که بهار آن را به شش دوره تقسیم می کند . " سبک شناسی " با تحقیقات همه جانبه ای که برای نخستین بار روی نثر کلاسیک فارسی می کند ، اثری است بسیار آموزنده و ارزشمند .

ملك الشعرا زبان پهلوی را بحوی می دانست و آثاری از آن زبان مانند " مادیکان شترنگ " ،  
 " داروک خرسندیه " " یادگار زیربان " و " اندرز آذرباد مار سفندان " را به فارسی برگرداند .  
 اثر اخیر به شعر ترجمه و چاپ شده است .  
 ملك الشعرا بهار در سال های ۱۹۲۱ - ۱۹۴۱ علاوه بر فعالیت های شعری و روزنامه نگاری  
 (که در سالهای پیش هم به آن مشغول بود ) بمنزله یک نویسنده زبردست و محقق دانشمند و یک مترجم  
 پرثمر داخل تاریخ ادبیات فارسی شد .  
 تد ریس علم سبک شناسی در دوره دکترا در دانشگاه تهران و تألیف کتاب های درسی برای  
 مدارس نیز از خدمات پر ارزش این دوره بهار به شمار می رود .  
 در این دور ملك الشعرا بهار با شاعران ، نویسندگان و دانشمندان بزرگ ایران - نیما یوشیج ،  
 علی اکبر دهخدا ، ابوالقاسم لاهوتی ، ایرج میرزا ، پروین اعتصامی ، عارف قزوینی ، عشقی ، فرخی یزدی ،  
 پور داود و سخنوران فامدار دیگر هم زمان است و با بیشتر آنها دوستی و همکاری دارد که خوشبختی اوست .  
 این هنرمند آن برجسته جاوید ، ستاره های دنباله داری هستند که از پی آنها ستاره های  
 تازه ای پس از جنگ جهانی دوم ، آسمان شعر و ادب ایران را روشن می کنند .  
 فصل چهارم - فعالیت اجتماعی و ادبی ملك الشعرا بهار از آغاز جنگ جهانی دوم تا پایان زندگی  
 ۱۹۵۱ - ۱۹۴۱

پس از پایان دوره موسوم به بیست ساله دیکتاتوری ، جنبش های آزادی بخش ملی و مبارزات  
 ضد امپریالیستی در ایران اوج گرفت و این مبارزات در ادبیات فارسی نیز تا ثیر بسیاری کرد . موازی  
 با موضوع های اجتماعی مربوط به ایران یک سلسله مسائل بین المللی مورد توجه شاعران و نویسندگان ما  
 و مضمون آثار آنها قرار گرفت . هاری و جهان خواری فاشیسم هیتلری و نبرد دلیرانه ارتش های آزادی بخش  
 که نهایت او را به زانو در آوردند (بیژن هارتن سرخ ) و فاند آن .  
 بهار در این دور روزنامه " نو بهار " خود را از نو انتشار داد و مبارزه خود را علیه ارتجاع داخلی  
 و استعمار از سر گرفت . شعرهای " صفحه ای از تاریخ " ، " کله از انگلستان " ، " نفرین به انگلیس "  
 از این قبل است .

سال ۱۹۴۲ ملك الشعرا سلسله مقالاتی با عنوان " تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایرلن "  
 در روزنامه " مهر ایران " بچاپ رساند و بعد ها آن مقالات را به شکل کتاب جداگانه ای به همان نام  
 انتشار داد که مند رجات آن از روحیه لیبرالیستی و از اشتباهات سیاسی و نظری دور نمی باشد .

دوران پس از جنگ جهانی دوم ، ویرانی است سرشار از حوادث مهم سیاسی و اجتماعی برای  
 ایران . خلع ید شرکت نفت ایران و انگلیس و تصویب قانون ملی کردن نفت به همت رورهبری دکتر مصدق  
 تشکیل جمعیت های ضد امپریالیستی و مبارزه با مداخله گران امریکائی ، اعتلا جنبش های استقلال طلبانه  
 مردم ایران که توانستند برای مدت کوتاهی صدای اعتراض خود را بلند کنند و نان و آزادی بخواهند ،  
 همه این ها جامعه ایرانی را تکان داد . و این حرکت ، ادبیات فارسی را از ریشه تکلیف ساخت  
 یک گروه شاعران جوان مترقی به عرصه ادبیات نوین گام نهادند و مضمون های اجتماعی تازه را در شکل های  
 نو شعر بیان کردند . فریدون توللی ، مهدی اخوان ثالث ، احمد شاملو ، سیاوش کسائی ، نادری در پور و  
 فروغ فرخزاد و دیگران پیروان نیما یوشیج و پیشگامان " شعر نو " میباشند که بیشتر آنها از سالهای ۱۹۵۰  
 ملك الشعرا بهار در این دوران بیش از هر وقت دیگر ، به گذشته خود می اندیشد ، با خویش  
 می جنگد ، گاهی به زندگی گذشته اش افسوس می خورد و از کرده ها پشیمان می شود و می گوید .

" چهل سال تمام عمرم را در ورزش های سیاسی و اجتماعی و فلسفی و ادبی صرف کرده ام و کمال  
 مطلوبم خدمت به فرهنگ و پیدا کردن سعادت ایرانی بوده است و اگر گاهی به خطا رفته ام " نیتم نبوده .  
 امروز این حقیقت را درک کرده ام که با اجتماع و نظم کهنه و با انزوا و جدائی از دنیا و بد بینی و خصومت نسبت  
 به همسایگان نمی توان زندگی کرد . "

آثار پس از جنگ بهار ، مبارزه درونی شاعر و جستجوهای معنوی و فلسفی او را نشان می دهد .  
 ملك الشعرا در سال ۱۹۴۳ ریاست کمیسیون ادبی انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی را به عهده  
 گرفت و سال ۱۹۴۵ در جشن ۲۵ سالگی جمهوری آذربایجان شوروی شرکت کرد و شعر " هدیه باکو " را  
 که دارای ۱۱۲ بیت است سرود .

سال ۱۹۴۶ نخستین گنگره نویسندگان ایران در تهران برگزار شد که ملك الشعراء است آن را به عهده داشت . هیات رئیسه گنگره عبارت بود از بزرگترین نمایندگان ادبیات و دانش امروز ایران - شخصیت های برجسته ای مانند نیما یوشیج ، علی اکبر دهخدا ، صادق هدایت و دیگران . بهار در سخن رانی خود هنگام گشایش گنگره ، به نقش بزرگی که ادبیات در جا معه دارد و وابستگی ناگسستنی آن با اجتماع پرداخت و یاد آور شد که ادبیات حقیقی دیگر نمی تواند در پناه دربارها پدید آید . هر نویسنده ای که مردم را به سوی آینه و جنبش و حیات هدایت نماید و هنر او حقیقی تر و غمخوارانه تر باشد ، می تواند در تاریخ ادبیات خلق خود زنده بماند . در پایان گنگره بهار شاعران و نویسندگان را دعوت کرد که هر چه بیشتر به مردم نزدیک شوند و برای مردم بنویسند .

ملك الشعراء سال ۱۹۴۶ چند ماه در کابینه قوام السلطنه در پست وزارت فرهنگ کار کرد و سپس استعفا داد . در سال ۱۹۴۷ نیز از تهران به نمایندگی دوره پانزدهم مجلس شورای ملی انتخاب شد و ریاست فراکسیون " حزب دمکرات " را که قوام السلطنه در رأس آن بود ، به عهده گرفت ، و ~~در این دوره ریاست فراکسیون~~

ملك الشعراء که در زندان دوران دیکتاتوری مسلط شده بود در سال ۱۹۴۷ بیما ریش شدت یافت و برای مداوا به سوئیس رفت . در آنجا شاعر در از وطن و بیمار چند چکامه گفت که " لزینه " عنوان یکی از آنهاست ~~که در سوئیس به چاپ رسید~~ . در سوئیس بهار نتوانست هزینه معالجه خود را تامین کند و دولت هم از کمک به او خودداری کرد و ناچار ، با رنجش شدید از هیئت حاکم ایران ~~خواست~~ به وطن بازگشت . و دیگر نتوانست تندرستی خود را بازیابد .

ملك الشعراء در سال ۱۹۵۰ ریاست جمعیت ایرانی هواداران صلح را به عهده گرفت و این اقدام او در روزهای بود که جنگ افروزان بین المللی آتش جنگ جهانی جدیدی را دامن می زدند و بخصوص مستشاران امریکائی می کوشیدند هر چه بیشتر این کشور را به پایگاه جنگی خود مبدل سازند . جنبش صلح خواهی در ایران با مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم در هم آمیخت و مردم در سال های بین ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳ چنان پیکار قهرمانانه ای در این راه کردند که نظیر آن در تاریخ اخیر ایران کمتر بود . ( تعداد هواداران صلح در ایران به دو میلیون رسید ) .

بهار در پایان عمر به نیروی طبقات زحمتکش جامعه ایمان آورد و به مبارزه رهائی بخش مردم امیدوار شد و خود نیز در این راه گام های بزرگی برداشت .

پیام هایی که ملك الشعراء از بستر بیماری برای کارگران ، دهقانان ، دانشجویان و تمامی مردم صلح طلب ایران و جهان می فرستاد ، نشانگر تحول ژوفی است که در دنیای معنوی و جهان بینی ~~شماره~~ پدید آمد . " افتاب عمر من بر لب بام است . آنچه مرا تا کنون زنده نگه داشته ، امید به آینه پر افتخار و با سعادت است که وطن ما و هم وطنان من خواهند داشت . . . با ید متحد شد و قویدل و امید وار بود و حق زنده بودن و آزاد زیستن و از نعمت های جهان برخوردار شدن را که حق مسلم هر انسان زنده است ، از چنگ غاصبان به در آورد و در پرتو صلح زندگی آسوده برد . . . " ( ۱ )

پیکار ملك الشعراء جنگ طلبان را عصبانی می کرد . صدای آمریکاییک در برنامهای ~~رادیویی~~ خود دایم به رئیس جمعیت هواداران صلح حمله و هتاکی کرده ، بهار را پیر مرد منفی باف می نامید . ملك اشعراء با متانت پاسخ می داد . . . " آری ما منفی باف هستیم ، چون جنگ را امری وحشیانه می دانیم و برای زندگی خیلی ارزش قائمیم . چه افتخاری بزرگ تر این که بقیه عمر کم و بیش خود را در راه جلوگیری از انهدام جهان و جهانیان مصروف خواهیم داشت . . . " ( ۲ )

چکامه " جغد جنگ " آئینه روشنی اندیشه های بشر دوستانه و صلح طلبانه بهار است . شاعر در این اثر پس از تصویر صحنه های وحشت زای جنگ که بسیار استادانه و برجسته و باور کردنی است ( به جنگ افروزان می تازد و آنها را در پیشگاه تاریخ محکوم می کند و صلح را نخستین امر ضروری حیاتی و بزرگترین آرمان بشری توصیف می کند . بهار در پایان این چکامه پیشرفت معنوی و شکوفائی هنری که نصیب شخص خودش شده ، ~~را~~ می گوید .

بهار طبع من شکفته شد ، چو من

مدیح صلح گفتم و ثنای او ( ۳ )

۱ - روزنامه مصلحت شماره ۲۲ چهارم مارس ۱۹۵۱

۲ - روزنامه مصلحت شماره ۲۱۶ فروردین ۱۳۳۲

۳ - دیوان ملك الشعراء بهار صفحه ۷۴۳ چاپ تهران سال ۱۹۵۷

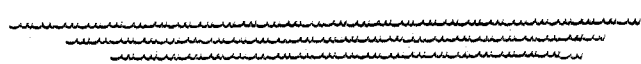
ملك الشعرا با سرودن چکامه " جغد جنگ " که یکی از بهترین اشعار فارسی معاصر است ، دفتر پنجاه سال شاعری خود را فرو بست . بهار طبق تصمیم دومین کنگره جهانی صلح ، به عضویت شورای عالی صلح جهانی برگزیده شد . او در بحبوحه مبارزات استقلال طلبانه و صلح جویانه خود و در حالی که فعالیت پرثمر ادبی را با شور و گرمی ادامه می داد ، روز یکشنبه ۲۱ آوریل ۱۹۵۱ از بیماری سل ، در تهران درگذشت .

ملك الشعرا بهار در سراسر زندگی ارزنده خود مانند يك شاعر میهن پرست و انسان دوست حقیقی در راه استقلال ملی و پیشرفت و ترقی اجتماعی و شکوفائی شعر و ادب فارسی با همه نیروئی که داشت مبارزه کرد . نامبرده مسائل سیاسی و اجتماعی را که شخصاً با آن سروکار داشت ، از شعرش جدا نکرد . طی نیم قرن شاعری ، سی سال فعالیت روزنامه نگاری ، نزدیک به بیست سال تدریس سنیك شناسی و ادبیات در دانشگاه تهران و با تصحیح و تألیف و ترجمه آثار فراوان علمی و ادبی ، به فرهنگ و ادب فارسی خدمت به سزائی کرد .

بهار ~~شعر~~ شعر کلاسیک فارسی ، بویژه قصیده را برای مضمون های اجتماعی نو چنان استادانه بکار برد که منتقدان و ادیبان ایران به حق به او لقب بزرگ ترین شاعر معاصر سبک کلاسیک را دادند . ملك الشعرا با احساس میهن پرستی و مردم دوستی که داشت چون فاقد يك ایده آلوی درست علمی بود ، لذا گهگاه در حل مسائل سیاسی - اجتماعی دچار تگ روی و تزلزل می شد . اما پس از چندی که به اشتباه خود پی می برد ، به اصلاح نظرات خویش پرداخته و راه درست را پیش می گرفت و با عشق به آزادی و عدالت و اجتماعی و با آرزوی صلح و خوشبختی برای هم میهنان اش شعر می گفت . نخستین شعر بهار که به چاپ رسید ؛ " کار ایران با خداست " سرودی است که بیدادگری و استبداد را محکوم می کند و آزادی را می ستاید .

آخرین آفرینش او " جغد جنگ " حماسه ای است برای زندگی صلح آمیز مردم ایران و تمامی انسان های روی زمین .

این آغاز و فرجام نیک و اطمینان به اینکه ملك الشعرا بهار ، مردم و هنر سازنده را در سراسر عمر تا حد پرستش دوست می داشت و در راه آنها مبارزه می کرد به این شاعر برجسته حق می دهد که نامش در تاریخ ادبیات ایران با خطوط برجسته ثبت گردد .



### پایان

نگارنده مقاله ۱۳۳۸ .